

مقوله مقاله نویسی برای کودکان و نوجوانان

موضوع اصلی این شماره پژوهشنامه هم مانند شماره پیش، «مطبوعات کودک و نوجوان» است. امیدواریم در حد توان به بعضی از شئونات گوناگون این گونه از مطبوعات بپردازیم. از این شئونات، یکی هم مقاله نویسی برای بچه‌هاست که مایلیم چند کلمه‌ای درباره‌اش بنویسیم. البته درباره «مقاله» بسیار گفته و نوشته‌اند و این قالب در عرصه فرهنگ بزرگسالان، تقریباً به طور کامل تعریف و شناسایی شده است. نکته اینجاست که وقتی پسوند «کودک و نوجوان» به آن افزوده می‌شود، دیگر نمی‌توان به همان قالب معهود و متعارف بزرگسالانه بسنده کرد.

هدف

در این یادداشت می‌خواهم کاربردها و ویژگیهای مقاله‌های کودکانه و شیوه‌های مقاله نویسی برای آنها را همراه با ارائه چند نمونه بیان کنم.



اهمیت موضوع

ارزش این موضوع از چند زاویه آشکار می‌شود:

الف - کمبود پشتوانه‌های نظری

تا به حال آن قدر که درباره فنون و شگردهای داستان‌نویسی و شعرسرایی بحث شده، درباره مقاله‌نویسی برای بچه‌ها کندوکاو نشده است. خوشبختانه چند سالی است که در جشنواره‌های ویژه مطبوعات کودک و نوجوان که از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نیز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار می‌شود، بخشی هم به ارزیابی مقاله‌ها اختصاص داده می‌شود.

ب - کارکرد مطبوعاتی مقاله

شاهدیم که همه مطبوعه‌ها، حجمی از مطالب خود را به انواع مقاله‌ها اختصاص داده و می‌دهند. واقعیت هم این است که کارکرد مطبوعاتی مقاله بیشتر از قصه و شعر است، زیرا بیش از آنها قابلیت طرح مسائل روز و جاری را دارد. به طور کلی، کارکرد شعر و قصه، کارکرد دیگری است. حتی اگر تولید خلاق قصه و شعر به قدری باشد که مطبوعه را از نظر حجم، از قالبهای دیگر بی‌نیاز کند، باز هم حق مطلب تنها با قصه و شعر ادا نخواهد شد. نیازهای کودکان تنها با خیال‌انگیزی و بیان غیرمستقیم برآورده نمی‌شود. آنها گذشته از نیازهای عاطفی و احساسی، نیازهای ذهنی و عقلی هم دارند و پیداست که چنین نیازی را قالبی برآورده خواهد کرد که ابزارش استدلال و استنتاج باشد. همان‌طور که گفتیم، در عمل نیز همه مطبوعه‌ها حجمی از مطالب خود را به انواع مقاله‌ها اختصاص داده و می‌دهند، اما مهمتر از حجم مقاله‌ها، کیفیت

آنهاست که باید ارتقا یابد. در هر حال، مقاله در هر مطبوعه‌ای حضوری ناگزیر دارد.

مختصات مقاله در مفهوم عام

برای رسیدن به مختصات مقاله کودکان، علمی‌ترین و کوتاه‌ترین راه این است که مختصات مقاله‌های بزرگسالان را ارزیابی کنیم و بعد ببینیم، پسوند کودکان بودن چه ویژگیهای جدیدی را به آن می‌افزاید. یادآور می‌شویم که در اینجا منظور از مقاله اعم از مقاله مطبوعاتی و غیرمطبوعاتی است. البته ادعا نمی‌کنیم که به همه وجوه دست یافته‌ایم، اما می‌کوشیم در حد مقدور آنها را احصا کنیم، با این امید که اهل فن، کاستیهای ما را نقد و بحث را کامل کنند. وجوه و ویژگیهایی که ما دریافته‌ایم و در واقع ما به الامتیاز مقاله از دیگر قالبهای نگارشی به شمار می‌روند، در چند محور ردیف می‌شوند:

۱. مقاله در پی اثبات یک یا چند مدعاست، نه مانند گزارش و خبر که کارشان ثبت واقعیت است. البته مقاله برای اثبات حرفهایش می‌تواند از آنچه گزارشها و خبرها ثبت کرده‌اند بهره بگیرد، اما در نهایت به داوری می‌پردازد.
۲. وقتی که تعبیر اثبات را به کار می‌بریم طبیعی است که به استدلال و استنتاج نیاز داریم. بنابراین ابزار مقاله استدلال و آوردن نمونه و شاهد مثال است.
۳. مقاله به دنبال تأثیرگذاری بر اندیشه مخاطب است و نه احساس او. این است که احساس‌انگیزی وظیفه مقاله نیست و اگر هم مقاله‌ای باعث انگیزش احساس و عاطفه خواننده شود، نباید مجوزی برای ضعف استدلالی و منطقی مقاله باشد. در واقع انگیزش احساس باید به واسطه محتوای مطلب باشد و نه ساختار آن که این مهم از هنر نوشتن

نویسنده ناشی می‌شود. ممکن است خواننده‌ای با خواندن یک مقاله استدلالی و محکم درباره «خرید و فروش کودکان فقیر» احساساتش برانگیخته شود، اما علت این انگیزش باید خود فاجعه باشد و نه پرداخت هنرمندان نویسنده. در عین حال، مطلوب این است که یک مقاله هر دو ویژگی را دارا باشد، یعنی هم ارزش استدلالی و منطقی داشته باشد و هم ساختاری زیبا و نثری هنرمندانه و عاطفی که در این صورت مقاله‌ای هنری خواهد بود. البته حتی در این صورت هم نباید از یاد برد که اصالت با استدلال و منطق است و نه زیبایی نثر و پرداخت. نثر و پرداخت مقاله تقریباً رسمی و صریح است و از شوگردها و صنایع ادبی بهره چندانی ندارد. در واقع کلام و شیوه بیان وظیفه مهمی در برآوردن وظیفه نویسنده بر عهده ندارد.

۴. مقاله اگرچه به اندازه گزارش و خبر، به مسائل روز بستگی ندارد و تاریخ مصرفش بیشتر و طولانی‌تر است، اما در مقایسه با قالبهای خلاق ادبی مانند داستان و شعر، وابستگی بیشتری به زمان و مکان دارد. درونمایه داستان و شعر، به عنوان مثال می‌تواند آلودگی روح انسان باشد که مسئله‌ای همه‌زمانی و همه‌مکانی است که همیشه مطرح بوده و همیشه مطرح خواهد بود. اگر داستان و شعری خلق شود که درونمایه‌اش چنین خصلتی داشته باشد، هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود و یا دست کم از این نظر کهنه نمی‌شود، اما موضوع یک مقاله ممکن است «آلودگی هوای شهر تهران» باشد که به زمان و مکانی خاص وابسته است؛ به این معنی که چنین مقاله‌ای تنها آن هنگام نوشته می‌شود که هوای شهر تهران آلوده باشد و یا در معرض چنین خطری باشد. پس هرگاه این آلودگی برطرف شود، آن مقاله

تقریباً - اگر نگوییم تحقیقاً - کاربردش را از دست خواهد داد.

۵. مقاله به این خاطر که به دنبال تفهیم مطلب در ذهن مخاطب است از آشفتگی و ابهام پرهیز می‌کند و از این رو مقدمه، تنه و نتیجه دارد. به طور کلی نگارش مقاله راه و رسم و قاعده مشخصی دارد. هنر اما چنین حالتی ندارد، زیرا تا حد زیادی حاصل جوشش غیرارادی و ناخودآگاه نویسنده است و با سفارش‌پذیری و قاعده‌مندی کمتر میانه دارد، اما نگارش مقاله به کوشش ارادی و آگاهانه نویسنده بستگی دارد. هنر خلق می‌شود اما مقاله تولید می‌شود. ۶. قالب مقاله نسبت به قالب خبر و گزارش، عمیق‌تر، ماندنی‌تر و تخصصی‌تر است و به همین دلیل مخاطبان کمتری دارد.

مقاله‌های کودکانه

مقاله دو وجه دارد: وجه موضوعی و وجه ساختاری. از نظر موضوعی پیداست که عواملی مانند: تازگی مضمون، توجه به نیاز مخاطب و رعایت دانش پایه او با توجه به تفاوت‌های سنی‌اش اهمیت دارد.

وجه دوم، وجه ساختاری است که باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد. نخست باید گفت تمام وجوه جداکننده‌ای که مرز بین مقاله و دیگر قالبهای نگارشی را مشخص می‌کند، جزو مختصات مقاله کودکانه هم هست. تفاوت عمده - به نظر من - در مختصات نیست بلکه در درجه اولویت و اهمیتی است که باید برای مختصات در نظر بگیریم. آنچه در مقاله بزرگسالان امری استحصالی به شمار می‌رود، می‌تواند در مقاله کودکان امری وجوبی باشد. مهمترین وجهی که چنین حالتی را داراست، وجه هنری بودن مقاله است. بزرگترها همان‌طور که کمتر از

بچه‌ها میل به تحرک و نشاط و بازی دارند، نیازشان به حضور عنصر هنر در مقاله نیز کمتر است. آنها نه تنها هنری نبودن مقاله را تحمل می‌کنند که حتی گاهی با دست‌اندازها و درشتیهای آن هم می‌ستیزند و ضعفهایش را مورد نقد قرار می‌دهند. بچه‌ها اما در چنین مواردی دست به اقداماتی کودکانه و عملی می‌زنند، یعنی مقاله را کنار می‌گذارند و از خیر خواندنش می‌گذرند!

از باب نمونه چند خصلت مقاله‌های کودکانه و هنری را برمی‌شماریم:

* پرهیز از نصیحت: بی‌اینکه منظورمان نفی آن روشنی و صراحتی باشد که در شرایط مقاله بزرگسالانه آوردیم. پیداست که صراحت و روشنی با نصیحت خشک و بی‌پشتوانه فرق دارد.

* حرف زدن با بچه‌ها از زاویه نگاه خودشان. بچه‌ها بهتر است حس نکنند که یک بزرگتر مثل آقا معلم با آنها سخن می‌گوید بلکه نثر مقاله باید به شکلی باشد که گویی کودکی هم‌سن و سال خودشان و با همان نحوه تلفی و نگاه خاص خودشان با آنها حرف می‌زند.

* استفاده از حکایت، کنایه، طرح پرسش، شعر، ضرب‌المثل، لطیفه و تصاویر ذهنی و جذاب.

* شرکت دادن خود بچه‌ها در دنیای مقاله. به عنوان مثال مورد خطاب قرار دادن خواننده با تعبیرهایی صمیمی مثل «تو» کاری بسیار موثر است. همچنین ربط دادن مثالها و نمونه به زندگی روزمره بچه‌ها، آنها را به‌نوعی با موضوع مقاله درگیر می‌کند.

* استفاده از زمینه‌های اجتماعی خاصی که در زمان نگارش مقاله مطرح هستند؛ به عنوان مثال ممکن است لزوم قانون‌مداری و جامعه مدنی یا مطرح شدن چند ورزشکار ایرانی در دیگر کشورها موضوع روز باشد.



*** ساده‌نویسی و رعایت واژگان پایه.**

* رعایت تفاوت‌های سنتی که در هر یک از گروه‌های سنتی شرایط ویژه‌ای را ایجاد می‌کند. به عنوان مثال، بچه‌های خردسال به دلیل تجربه کمی که از دنیا دارند، تخیلی‌تر هستند و نوجوانان، استدلالی‌تر، واقع‌گراتر، معترض‌تر و پریشان‌تر.

بی‌شک موارد قابل برشمردن بیشتر از اینهاست، اما خواننده این‌سطور در مباحث نظری گوناگون مربوط به داستان و شعر کودک و نوجوان، بسیاری از شگردها و شیوه‌ها را خوانده و یا در عمل به کار گرفته است، بنابراین توضیح بیشتر ضرورتی ندارد.

ارزیابی چند نمونه از مقاله‌های کودکان

یکی از بخشهای جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان که از سوی «خانه روزنامه‌نگاران جوان» در سال ۱۳۷۵ برگزار شد، داوری درباره تمام مقاله‌های کودکانه منتشر شده در سال ۱۳۷۴ بود. در آن سال بر طبق شیوه معمول، پس از بررسی‌های هیئت داوران اولیه، تعدادی مقاله به دور نهایی راه یافت. در این بخش از الف آغاز، از بین مقاله‌های مرحله نهایی چند متن را انتخاب کرده‌ام تا شاهد مثالهایی برای تعدادی از ویژگیهای موردنظر باشم.

۱. موضوع مناسب:

۱.۱. مقاله «راستش عادت کرده‌ام...» درباره نقش عادت‌ها در شکست و موفقیت بحث می‌کند. (روزنامه آفتابگردان، ش ۴۷۶، ۶ اسفند ۷۴)

۱.۲. مقاله «کتاب، کتابخوانی و کتابخانه‌ها» (روزنامه آفتابگردان، ش ۳۹۵، ۲۵ آبان ۷۴)

۱.۳. مقاله «نوجوانان و تحصیل» درباره حق تحصیل برای تک‌تک کودکان (مجله امید آینده، ش

۱۹ و ۲۰، دی و بهمن ۷۴)

۱.۴. مقاله «اگر می‌خواهیم بهار در خانه بماند» درباره لزوم و شیوه‌های پرورش گل و گیاه در خانه توسط خود بچه‌ها (روزنامه آفتابگردان، ش ۲۷، فروردین ۷۴)

۱.۵. مقاله «برای پیر شدن عجله نکنید» (مجله سورة نوجوانان، ش ۸۷، نیمه اول تیر ۷۴)

۱.۶. مقاله «خود را باور کنیم» (مجله فنون، ش ۳۵، دی ۷۴)

۱.۷. مقاله «تصمیم داری چه‌کاره بشوی؟» (مجله فنون، ش ۳۵، دی ۷۴)

۱.۸. مقاله «روزه‌های کوچک، روزه‌های بزرگ» (مجله آینده‌سازان، ش ۲۶۱، آذر ۷۴)

۲. شروع خوب

۲.۱. مقاله «دکتر محمود حسابی»:

تمام دانشجویانی که از ایران به فرانسه اعزام شده بودند تا در دوره دکترا شرکت کنند در یک سالن جمع شده بودند. رئیس دانشگاه که خود پژوهشگر و شخصیتی ممتاز در میان علم‌دوستان فرانسوی بود، با تردید به یک یک دانشجویان نگاه کرد و گفت: «شما جوانها که از ایران می‌آیدید معلوم نیست چه لیسانسی گرفته‌اید: من در قوی بودن پایه علمی شما شک دارم. به همین علت باید دوره سه ساله لیسانس را در دانشگاه ما بگذرانید»

دانشجویان ایرانی اگرچه از پیشنهاد رئیس دانشگاه راضی نبودند، اما چاره‌ای نداشتند جز آن که پیشنهاد او را بپذیرند. پس به سر کلاسها رفتند. ولی هرچه می‌خواندند برایشان تکراری بود: زیرا همان موضوعات را در دانشگاههای ایران و بخصوص در سر کلاسهای «دکتر حسابی» آموخته بودند. بالاخره به پیشنهاد یکی از دانشجویان به دفتر رئیس دانشگاه رفتند و از خواستند تا اجازه دهد که دانشجویان ایرانی در امتحانات پایانی دوره لیسانس شرکت کنند.

دریا، فرسایش خاک، ریزشها (برف، باران، تگرگ و...) سبیل، آتشفشان، رانش زمین و...

مثلاً از ۶ ماه پیش تا به حال ۱۶ طوفان تریایی در جزایر کارائیب اتفاق افتاده است. این طوفانهای شدید ارتفاع آب را تا چندین متر بالا آورده و... [روزنامه آفتابگردان، ش ۳۷۱، ۲۷ مهر ۱۷۴]

۲.۳. مقاله «چشمها را باید شست» (مقاله با دو نامه دردناک از دو نوجوان آغاز می‌شود و بعد، نویسنده درباره فقر و نداری با خواننده حرف می‌زند. گوشه‌ای از نامه اول را می‌خوانید.)

«فرزند اول خانواده و محصل کلاس سوم دبیرستان‌ام. پتری دارم با داستانی قبح که از او هیچ کاری بر نمی‌آید و در عوض باید ۵ فرزند قد و نیم‌قد را سرپرستی کند. شاید باور نکنید؛ ولی خانواده ما بعضی شبها واقعاً گرسنه می‌خواهند. دختر بزرگ خانواده‌ای هستم که عید در آن جایی ندارد. برادران کوچکم در ایام عید از ما عیدی می‌خواهند؛ اگر پولی بود که عیدی بدهیم، مجبور نبودیم مسافت طولانی بین روستایمان تا مدرسه را (در روستای همسایه) با پای پیاده و با کفش‌های یخ‌زده طی کنیم. ما نمی‌توانیم پولی بابت کرایه ماشین بپردازیم و لذا مجبوریم بیابان‌های بین دو روستا را در سرما و گرما پیاده برویم و برگردیم. در زمستان تنها لباس ژاکت ژنده و کهنه‌ای است که دخترعمویم هیبه داده است؛ ژاکت پاره‌ای که به هیچ‌وجه نمی‌تواند در مقابل سرما کاری از پیش برد. از شدت سرما کلیه‌هایم عفونت کرده‌اند. گاهی از درد کلیه تا سرحد مرگ به خود می‌پیچم و... [مجله آینده‌سازان، ش ۲۵۸، خرداد ۱۷۴]

۲.۴. مقاله «راستش عادت کرده‌ام که...»
 «آیا رفتارهایی را که به انجام آنها عادت کرده‌اید، می‌شناسید؟ آیا می‌دانید که چه جور آدمی هستید و دیگران شما را با کدام رفتارشان بیشتر می‌شناسند؟ به راستی عادتها چگونه به وجود می‌آیند؟

رئیس دانشگاه با تعجب پرسید: «یعنی شما این مطالب را خوانده‌اید؟»

بله! اگر ما نتوانستیم در امتحانات پایانی دوره لیسانس نمره‌های لازم را کسب کنیم، آن وقت مارا به کلاسهای درس فعلی بازگردانید.

عاقبت روز اعلام نتایج فرارسید اما هیچ کس نمی‌توانست حدس بزند که مقامهای اول تا سوم را دانشجویان ایرانی به خود اختصاص داده‌اند. رئیس دانشگاه دست تک تک دانشجویان را فشرده و به آنها تیریک گفت. بعد با کنجکاوی پرسید: «استادان شما در ایران چه کسانی هستند؟»

دانشجویان با رضایت به یکدیگر نگاه کردند و گفتند: «استادان بی‌تقلیری همچون دکتر محمود حساسی.»
 دکتر «محمود حساسی» در سال ۱۲۸۱ در تهران به دنیا آمد و بعد از چند سال به دلیل شغل سیاسی پدر بزرگش، همراه خانواده به بغداد و سپس بیروت رفت... [مجله رشد نوجوان، ش ۴، دی ۱۷۴]

۲.۲. مقاله «زمین خانه ماست؛ خانه‌مان بی‌بلا»:

«شب سی‌ام خرداد سال ۱۳۶۹ بود. ساعت از ۱۲ گذشته بود و همه نوجوانان، جوانان و حتی بزرگسالان مشغول دیدن مسابقه‌های فوتبال جام جهانی ۱۹۹۰ میلادی بودند. که زمین لرزید و لرزش شدیدتر شد آنقدر که سقف خانه‌ها پایین آمد، زمین دهان باز کرد، صدها خانه خراب شد و از شهرهای زیبای رودبار و منجیل جز ویرانه‌ای به جا نماند. و آنها ماندند و غم و ویرانه‌های حاصل از زلزله.

این حادثه تنها یکی از انواع بلاهای طبیعی است که ما بارها شاهد آن بوده‌ایم. به طور کلی در جهان ۴۱ نوع بلای طبیعی وجود دارد که ۳۱ نوع آن در کشور ما دیده شده است. بلایایی مثل: صاعقه، خودسوزی، جنگل‌ها خشکسالی، بهمن، سرمازدگی، طوفان، آلودگی آب و محیط، حمله آفت‌های گیاهی، زیاد شدن کویر و مرداب، تغییر شکل ساحلها، پیشروی آب



شناخت ساده «عادت» یعنی اینکه: معمولاً هنگام صحبت کردن از چه کلمه‌هایی بیشتر استفاده می‌کنید؟ آیا به تفریح و سرگرمی در زمانهای معینی از روز یا هفته عادت دارید؟ آیا عادت دارید که کار امروز را بیه فریاد موقوف نکنید؟ آیا در انجام کارهایتان به رعایت نظم، عادت دارید؟ آیا به سحرخیز بودن عادت دارید؟ آیا عادت دارید با صدای بلند حرف بزنید یا با صدای آرام؟ آیا عادت دارید که در اولین فرصت قرض خود را به صاحبش برگردانید؟ آیا عادت دارید که... [روزنامه آفتابگردان، ش ۳۷۶، ۶ اسفند ۷۴]

۲.۵. مقاله «برای پیر شدن عجله نکنید»

«دوستی دارم که گاهی یک بیت شعر را به زبان عربی را زیر لبش زمزمه می‌کند تا به حال هرچه کرده‌ام موفق به حفظ کردن متن عربی شعرش نشده‌ام ولی معنی فارسی جالبی دارد از این قرار: دو چیز از بیخ هم سردتر هستند پیری که ادای جوانها را در می‌آورد و جوانی که ادای پیرها را راستش معنی این شعر را زیاد ترک نکرده بودم، تا این که اتفاق جالبی برایش افتاد...» [مجله سوره نوجوانان، ش ۸۷، نیمه اول تیر ۷۴]

۳. شیوه ابتکاری

۳.۱. مقاله «یک کتاب در یک مقاله»

۳.۲. خلاصه کردن یک کتاب در یک مقاله، که در عین حال نوعی معرفی کتاب هم هست؛ مانند خلاصه کردن کتاب «عوامل موفقیت در تحصیل» [مجله سلام بچه‌ها، ش ۶ و ۷، شهریور و مهر ۷۴]

۴. تکیه بر استدلال و آمار و ارائه تعریف به منظور روشن شدن موضوع بحث

۴.۱. مقاله «بهداشت؛ پنجره‌ای رو به نشاط و تندرستی»

«بهداشت در جهان سوم: در یک کشور ثروتمند و صنعتی برای هر ۵۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد؛ ولی

در کشورهای فقیر یا در حال توسعه هر ۵۰ هزار نفر نیز ممکن است پزشکی در اختیار نداشته باشند. با همه اینها، در کشورهای در حال توسعه، قدمهای مثبتی برای بهبود وضعیت بهداشتی برداشته شده است. یکی از این قدمها افزایش آگاهی مردم نسبت به این حقیقت است که منشأ بسیاری از بیماریهای آنها عدم استفاده از آب سالم و تمیز است.

از این رو دسترسی به آب سالم یکی از اهداف عمده سازمان بهداشت جهانی تا سال ۲۰۰۰ است.»

هدفهای دیگر سازمانهای جهانی در سال ۱۹۹۵ و ۲۰۰۰ میلادی به شرح زیر است:

اهداف سال ۱۹۹۵ درباره بهداشت اهداف سال ۲۰۰۰ درباره بهداشت

ریشه‌کن کردن کزاز نوزادان ریشه‌کن کردن کزاز نوزادان

ریشه‌کن کردن فلج اطفال ریشه‌کن کردن فلج اطفال

۸۰٪ همه کودکان واکسینه شوند ۹۰٪ همه کودکان واکسینه شوند

ابتلا به بیماری سرخک کاهش یابد ابتلا به بیماری سرخک تا ۹۰٪ کاهش یابد [روزنامه آفتابگردان، ش ۳۷۶، ۱۴ آذر ۷۴]

۴.۲. مقاله «راستش عادت کرده‌ام که...»

برای رسیدن به مختصات مقاله کودکانه، علمی‌ترین و کوتاه‌ترین راه این است که مختصات مقاله‌های بزرگسالانه را ارزیابی کنیم و بعد ببینیم، پسوند کودکانه بودن چه ویژگی‌های جدیدی را به آن می‌افزاید.

آنچه در مقاله بزرگسالان امری استنباطی به شمار می‌رود، می‌تواند در مقاله کودکان امری و جویی باشد.

[روزنامه افتابگردان، ش ۴۷۶، ۶ اسفند ۷۴]

۵. ارائه راهکارهای عملی:

۵.۱. مقاله «راستش عادت کرده‌ام که...»

«کسی که از پذیرفتن اشتباهات و عادات بد خود ترس نداشته باشد، با میل و رغبت بیشتری به تغییر رفتار و منش خود خواهد پرداخت و بر این راه تلاش جدی و مداوم خواهد کرد. اگر به‌راستی می‌خواهید عادات ناپسند خود را تکرار نکنید، هرگز نگویید: «همین یک بار آن را انجام می‌دهم» و چون اگر یک بار دیگر فرصت تکرار رفتار نامطلوب را به خود بدهید، ممکن است باز هم ادامه پیدا کند.

ولی اگر در برابر وسوسه تکرار عمل، مقاومت کنید، هر چه زمان بگذرد تمایل به تکرار عادات قبلی بر شما کاهش پیدا می‌کند تا زمانی که کاملاً از بین می‌رود.

قدم بعدی این است که عادات خوب را به جای عادات بد جانشین کنید. محیط زندگی در یادگیری عادات جدید و همچنین ترک عادات رفتاری نامطلوب تأثیر فراوانی دارد. به طور مثال فردی که به تنبلی عادت دارد، وقتی در محیطی سرزنده و پویا و فعال قرار بگیرد، پس از مدتی به دلیل یادگیری و

منظور از عادت چیست؟

عادت عبارت است از رفتاری که بدون فکر و اراده و تصمیم‌گیری قبلی، به طور دائم تکرار می‌شود. رفتارهایی که در اثر تکرار به صورت عادت در می‌آیند به آسانی و با صرف وقت و نیروی کمتری ظاهر می‌شوند و معمولاً تغییری در آنها صورت نمی‌گیرد. هر انسانی در طول عمر خود، ممکن است عادات فراوانی به دست آورد و همراه با بالا رفتن سن و به دست آوردن تجربه‌های بیشتر، عاداتش نیز پیچیده‌تر شود.

وجود نیازها و احتیاجات بدنی، عاطفی و روانی در انسان، روشنی‌ترین دلیل ایجاد عادت است: یعنی هر کس با تکرار یک رفتار خاص، یکی از نیازهای جسمی یا عاطفی خود را برآورده می‌کند یا با نشان دادن یک رفتار، حداقل از شدت آن نیاز کم می‌کند. به طور نمونه فردی که به پرحرفی عادت دارد، نیاز دارد که دیگران به او توجه کنند و او می‌خواهد به خواسته‌اش برسد. عادات از چند راه تشکیل می‌شوند: بعضی از آنها از راه یادگیری و تقلید از اعضای خانواده به وجود می‌آیند، بعضی دیگر برای رسیدن به هدفهایی یاد گرفته می‌شوند و بعضی دیگر از عادات هم براساس اتفاق ایجاد می‌گردند.

سازگار شدن با دیگران، فردی فعال، منظم و کوشا می‌شود.

کلام آخر این است که همیشه سعی کنید عادت‌ها در خدمت شما باشند، نه اینکه شما در خدمت عادت‌هایتان باشید... [روزنامه آفتابگردان، ش ۶، ۴۷۶، اسفند ۷۴]

۶. نثر ساده و صمیمی

۶.۱. مقاله «اگر می‌خواهیم بهار در خانه ما

بماند»

«واقعیت این است که پشت خیلی از پنجره‌های شهر حالا دیگر کمتر خیری از حضور بهار است. اما ما اهل هر کجا باشیم، چه آنجا که آفتاب فروردین هنوز بر فراز آب نکرده است و چه آنجا که از شدت گرما در فروردین همه چیز رنگ و بوی تابستانی گرفته است و چه در شهرهای بزرگی که بسیاری از مردم در انبوه خانه‌های سیمانی چسبیده به هم زندگی می‌کنند، می‌توان کاری کرد که دست کم نشانه‌هایی از بهار بماند و در همه سال با ما باشد. بهترین کار یاد گرفتن روش‌های پرورش و نگهداری گل در خانه است...»

«می‌توانیم از بهار بخواهیم برای همیشه در خانه ما بماند. برای دعوت از او فقط کافی است گلی را در گلدانی بنشانیم.» [روزنامه آفتابگردان، ش ۲۷، ۲۱۹، فروردین ۷۴]

حالا که نثری ساده و زیبا خواندید، آن را با این نثر خشک و غیرصمیمی مقایسه کنید:

۶.۲. مقاله «درخت دوستی بنشان»

«جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان می‌گویند انسان موجودی اجتماعی است. مدنی‌الطبع بودن انسان در نظریات و اندیشه‌های بسیاری از علما و فلاسفه به صراحت بیان شده است...»

اگر زاویه نگرشمان را به مبحث دوستی کمی تصحیح کنیم، خواهیم دید که دوستی غیر از نیاز مدنی، دارای پایه‌های محکم دیگری همچون ارزش اخلاقی و معنوی است.

انسان وقتی در دایره رفتارها و خواهش‌های شخصی‌اش قرار می‌گیرد، نیازها و تمایلات سیری‌ناپذیر و بی‌پایانی دارد که در بسیاری موارد ممکن است منافع دیگران نیز قربانی این منافع شود... [مجله آینده‌سازان، ش ۲۶۴، اسفند ۷۴]

۷. پرهیز از صحیح کردن با بچه‌ها از

موضوع بالا و بزرگسالانه

همان‌طور که پیشتر گفته شد، بچه‌ها نباید احساس کنند کسی با زبان معلمی سختگیر، قصد ارشاد آنها را دارد.

۷.۱. مقاله «تصمیم داری چه کاره بشوی؟» (از کتاب آشنایی با برنامه‌ریزی تحصیلی، شغلی، نظام جدید آموزش متوسطه).

نویسنده در این مقاله، هفت بار تعبیر «دانش‌آموز عزیز» را به کار برده است و گذشته از ایراد ویرایشی، گویی تأکید دارد که بین او و خواننده فاصله لازم رعایت شود:

«شما دانش‌آموز عزیز قبول دارید که مانند هر انسانی، شما نیز در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی خود نیاز به یاری و کمک دیگران دارید...»

«دانش‌آموز عزیز: همان‌طور که متوجه شده‌اید...»

«از جمله تصمیم‌گیری‌های عمده زندگی شما دانش‌آموزان عزیز تصمیم‌گیری درباره تحصیل و انتخاب رشته می‌باشد.»

«چنانچه شما دانش‌آموز عزیز در انتخاب...»

«شما دانش‌آموز عزیز می‌دانید که افراد...»

«شما دانش‌آموزان عزیز، در فرآیند تصمیم‌گیری...»

«دانش‌آموزان عزیز، لازم است از خود انتظاری متناسب با توانایی‌هایتان داشته باشید.»

در همین مقاله به عبارتی می‌رسیم که قابل تأمل است:

«شما که سال‌های نوجوانی خود را به پایان می‌رسانید، رفته رفته راه‌حلهای احساسی را کنار می‌گذارید و بارشد عقلی که در دوره دبیرستان

۸.۵ مقاله «دکتر محمود حسابی»

۸.۶ مقاله «نوجوانان و تحصیل»

سخن آخر

امیدوارم توانسته باشم باب بحثی را هرچند به شکلی ناقص بکشایم تا آنهایی که اهلیت این کار را دارند، حق مطلب را ادا و بحث را کاملتر کنند. به طور مسلم حرف درباره مقاله‌های کودکان و نوجوانان و نیز نقد و بررسی نمونه‌های موجود، خیلی بیشتر از این مختصری است که آمد. در پایان پیشنهاد می‌کنم مذاکرات و بحثهای مربوط به نشستهای انتخاب آثار برتر مطبوعات کودک و نوجوان، ضبط، ساماندهی و منتشر شود تا بیش از این به پشتوانه‌های نظری دست پیدا کنیم.

سر دبیر

نصیب شما خواهد گشت از راه حل‌های منطقی سود

می‌جوید. [مجله فنون، ش ۳۵، دی ۷۴]

نویسنده تعارف را کنار می‌گذارد و چشم در چشم خواننده می‌دوزد و به او می‌گوید که هنوز رشد عقلی نصیب تو نشده است! چنین برداشتی اگر درست هم باشد، آیا باید آن را با این صراحت به مخاطب نوجوان که دوره کسب هویت و اعتراض را می‌گذراند، گفت؟

۸. عنوان‌ها (تیترها)ی مناسب

۸.۱ مقاله «تصمیم داری چه‌کاره بشوی؟»

[مجله فنون، ش ۳۵، دی ۷۴]

۸.۲ مقاله «برای پیر شدن عجله نکنید» [مجله

سوره نوجوانان، ش ۸۷، نیمه اول تیر ۷۴]

۸.۳ مقاله «زمین خانه ماست؛ خانه‌مان

بی‌بلا» [روزنامه آفتابگردان، ش ۲۷، ۲۸ مهر ۷۴]

۸.۴ مقاله «راستش عادت کرده‌ام که...»

[روزنامه آفتابگردان، ش ۶، ۴۷۶ اسفند ۷۴]

در مقابل، بهتر بود برای مقاله‌های زیر عنوانهای بهتری انتخاب می‌شد:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال ملی علوم انسانی

